

اطلاعیه جمعی از بازنشستگان

کانون مدافعان حقوق کارگر - جمعی از بازنشستگان در اطلاعیه ای با عنوان " کسب حداقل حقوق خود یا ذلت فقر " ضمن اشاره به شرایط دشوار اقتصادی موجود، تاثیر این شرایط را بر زندگی خود بررسی کرده و دلایل آن را عنوان نموده اند. در این اطلاعیه چنین آمده است:

کسب حداقل حقوق خود یا ذلت فقر

"سی یا چهل سال، قبل مثل این که همین بود، در اوج جوانی، با شور و اشتیاق پایان ناپذیر و با عشقی سرشار در کارخانه ها، جاده ها، سدها، راه آهن و ساختمان ها هستی و وجود خود را می گذاشتیم و تولید اجتماعی و کالاهای مورد نیاز جامعه را می ساختیم و به همین لحاظ وجدانی راضی و مغرور داشتیم. پس از بهمن ۵۷ هم احساس می کردیم دیگر بالاسری نداریم و خود سرنوشت خویش را خواهیم ساخت. شوراها و تشکل های خود را ایجاد و تمام نیرو و قدرت خود را صرف ساختن مملکت می کردیم. ما گمان می کردیم آینده ی کشور از آن به بعد بر مبنای ارزش کار و عدالت اجتماعی پایه گذاری خواهد شد. بهره کشی و استثمار دسترنج زحمتکشان دیگر جایی نخواهد داشت. با پرداخت ۳۰ درصد کل حقوق و مزایا و اضافه کاری به بیمه و با سرمایه گذاری برای آینده، از تامین معیشت و زندگی خود در دوران بازنشستگی اطمینان خاطر یافته بودیم، اما غافل بودیم که طبقات سرمایه دار، صاحبان قدرت و دولت با افزایش مدام و سالیانه حجم نقدینگی یعنی، چاپ پول بدون پشتوانه و در نتیجه تورم افسار گسیخته، معیشت و هستی ما را نشانه خواهند گرفت. طبقات استثمارگر و بهره کش حاصل دسترنج ما را به یغما بردند و اختلاف طبقاتی شدیدتر و تورم و گرانی وحشتناک بر زندگی ما حاکم شد. خطای ما به جهت آن بود که تشکل های متحد و یک پارچه ای را نداشته ایم که مدافع منافع طبقاتی ما بوده تا به آن اتکا کنیم.

برای بررسی بیشتر نسبت پایه حقوق و قیمت برخی اقلام در سال ۵۸ را با سال ۹۰ مقایسه می کنیم.

موضوعات	پایه حقوق روزانه	گوشت قرمز	برنج	بنزین	خودرو روز	سکه	دلار	ویزیت متخصص	گوچه فرنگی	مسکن هر متر
سال ۱۳۵۸	۵۶,۷	۲۰	۲۰	۱	۲۲۰۰۰	۴۲۰	۷	۱۰	۴	۳۴۰۰
سال ۱۳۹۰	۱۱۰۱۰	۲۰۰۰۰	۴۵۰۰	۵۵۰	۹۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰	۱۹۰۰	۱۱۰۰۰	۱۶۰۰	۲۵۰۰۰۰۰
افزایش	۱۹۴	۱۰۰۰	۲۲۵	۵۵۰	۳۷۵	۲۱۴۲	۲۷۱	۱۱۰۰	۴۰۰	۷۳۵

(همه قیمت ها به تومان است. قیمت بنزین متوسط ۷۰۰ و ۴۰۰ تومان یعنی ۵۵۰ تومان حساب شده است. در مورد خودر رو نیز فقط قیمت پیکان در سال ۱۳۵۸ و قیمت پراید در سال ۱۳۹۰ محاسبه شده است. قیمت مسکن میزان متوسط در شهر تهران است.)

به طور متوسط قیمت ها حدود ۹۵۰ برابر افزایش یافته است. حداقل حقوق در سال ۵۸ ماهیانه ۱۷۰۱ تومان بود و می شد با آن ۴ سکه طلا و یا ۸۵ کیلو گوشت قرمز خریداری کرد. قیمت ۴ سکه در سال ۱۳۹۰ برابر با ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و یا بهای ۸۵ کیلو گوشت برابر یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می شود و این درحالی است که حداقل حقوق ماهیانه در سال ۹۰ فقط ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان بوده است.

به این ترتیب سطح دستمزد سال ۵۸ تا کنون هرگز به کارگران پرداخت نشده است. قدرت خرید کنونی کارگران حدود ۲۵ درصد قدرت خرید سال ۱۳۵۸ است. این یعنی غارت دسترنج زحمتکشان، کارگران و کاهش ارزش نیروی کار و در نتیجه، تراکم ثروت در دست طبقات مرفه، سرمایه دار و حامیان آن است. این درحالی است که در زمان حکومت ستم شاهی به جهت استثمار و بهره کشی دسترنج خود، برقراری عدالت اجتماعی، حاکمیت ارزش کار و حذف نابرابری های طبقاتی انقلاب کردیم. میزان افزایش تورم سالیانه در سی و سه سال گذشته به طور متوسط ۲۴ درصد و متوسط افزایش حقوق نزدیک به ۱۸ درصد بوده است. یعنی به طور مرتب حقوق، سطح زندگی و معیشت کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و کارمندان جزء کاهش یافته است.

اگر بخواهیم علت فقر و تنگدستی را در زندگی خود بدانیم و ببینیم حاصل سی سال دسترنج ما کجاست، بسیار راحت است: به بانک هایی نگاه کنید که مثل قارچ از زمین روییده و درحال گسترش هستند، میلیاردها پولی که روزانه جابه جا می شوند، به انبارها و فروشگاه های مدرن پر از کالا، به برج ها و ساختمان های لوکس، به ماشین هایی با قیمت ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰، ۴۰۰ و ۵۰۰ میلیونی نگاه کنید که هر لحظه جلوی چشم ما رژه می روند، این ها حاصل کار و دسترنج ما هستند، اما ما هیچ حقی در استفاده از آنها نداریم. درحالی که مالکان این ثروت ها اساسا کار اجتماعی و ارزش تولید نکرده اند. با یک احتکار، یک معامله ی کلان زمین و مسکن، دلار و طلا، بهره، و بورس و سفته بازی و با تورم سرسام آور در یک لحظه همه ی زندگی ما تبدیل به باد هوا شده و ثروت سرمایه داران متراکم گردید. اختلاس ها و زد و بندها و به خصوص رانت ها و واردات و صادرات قاچاق کالا در مقیاس میلیاردی را هم به آن اضافه کنید (نه میلیارد ریال یا تومان که کلاس سرمایه داران و غارت گران پایین می آید و مسخره می شوند، بلکه میلیاردها دلار را در نظر بگیرید) حقوق سالیانه ما کمتر از هزینه یک شب میهمانی میلیاردرها و ناچیزتر جزئی از مبلغ یکی از هزاران مراسم دولتی ست.

اگر دولت طبق همین قوانین مدون مورد قبول خود، از جمله قانون اساسی که تامین زندگی شرافتمندانه برای آحاد افراد را تاکید کرده، ماده ی ۲۶ تامین اجتماعی که افزایش حقوق را برابر تورم دانسته و همچنین حقوق بشر و دیگر قوانین عمل می کرد و حقوق ها را مطابق تورم واقعی افزایش می داد، این وضع اسفبار، این همه فقر و اعتیاد، فحشا، ناامنی و جنایت گسترش نمی یافت. در چند سال اخیر افزایش حقوق حتما نصف تورم اعلام شده و رسمی توسط بانک مرکزی است. در سال ۸۹ مصوبه ی مجلس و دولت افزایش ۱۲ درصدی حقوق بود، اما رییس تامین اجتماعی به میل خود تنها ۶ درصد حقوق ها را افزایش داد. در این مورد می باید طرح دعوی قضایی از طرف بازنشستگان صورت گیرد. افرادی که به نام نماینده بازنشستگان در انتخابات فرمایشی انتصاب می شوند، وقتی نمی توانند اجرای قوانین که همان افزایش حقوق مطابق با نرخ تورم (حتا ساختگی) را تحقق دهند، یا جلوی کارهای خودسرانه را بگیرند، برای چه نماینده می شوند؟ آیا کافی است که فقط به فکر جیب خود بوده و به بازنشستگان پشت کنند؟ کسانی که در سال ۱۳۵۸ با دریافتی ۷۰۰۰ تومان حقوق و مزایا و اضافه کاری بازنشسته می شدند، در ماه برابر ۲۱۰۰ تومان حق بیمه پرداخت کرده اند که سرمایه گذاری شده و هم اکنون ارزش بیشتری پیدا کرده است. اگر افزایش را هم نادیده بگیریم همان ۲۱۰۰ تومان امروزه ۲,۰۵۰,۰۰۰ تومان می شود. در حالی که متوسط حقوق بازنشستگان در سال ۹۰ برابر ۵۷۰ هزار تومان بوده است.

برای اثبات غارت دسترنج ما آیا نیاز به آمار بیشتری است؟

سازمان تامین اجتماعی بزرگترین سازمان بیمه ای در کشور و آن هم غیردولتی یعنی اجتماعی و متعلق به کارگران و بازنشستگان است. اما دولت ها، به هر طریقی که خواسته اند با امکانات و سرمایه های آن رفتار کرده اند به طوری که در شش سال اخیر شش رییس بر آن گمارده اند و کسانی را در مسند آن قرار داده اند که حتی یک روز هم کار نکرده اند و

همانند آقای سعید مرتضوی که مفهوم تامین اجتماعی را درک نمی کنند. و نتیجه اش جز فقر و بدبختی روزافزون نخواهد بود. این درحالی است که در تمام دنیا تشکل های کارگری در مدیریت و کارکرد بازنشستگی و تامین اجتماعی، دخالت و نظارت کامل دارند. با سازمان تامین اجتماعی، به صورت یک حجره ی بازار رفتار می شود. حتا سال هاست که بخش های کارشناسی این سازمان تعطیل شده و درب موسسه پژوهشی آن کلا پلمب شده و نشریات آن همگی تعطیل شده اند و هر چه کارگران و بازنشستگان فقیرتر می شوند، دولت و سرمایه داران غنی تر شده اند. این وضعیت درحالی است که در ۷ سال اخیر میزان فروش نفت بالغ بر ۵۳۰ میلیارد دلار، یعنی بیش از یک صد سال فروش نفت از تاریخ اکتشاف آن بوده است. درواقع دولت کمبود منابع نداشته، فقط نمی خواهد حقوق کارگران و بازنشستگان را به آنان بازگرداند. ما کارگران بازنشسته گریزی نداریم یا باید با ادامه روند کنونی در فقر روزافزون و ذلت هر چه بیشتر فرو رویم و یا با اتحاد و همبستگی به طورمتشکل و سراسری برای احقاق حقوق خود مبارزه کنیم تا بیش از این دسترنج ما را غارت نکنند...

جمعی از بازنشستگان"

و در انتها با طرح این سوال که "اما چگونه باید متحد و متشکل برای احقاق حقوق خود اقدام کنیم" روزهایی را برای گردهم آیی جهت همفکری و پیگیری مطالبات شان تعیین نموده اند تا به خواسته ی اصلی شان دست یابند که همانا "کسب حقوق واقعی و زندگی با کرامت انسانی" به جای "ذلت و زندگی در فقر مطلق" است.